

## باغ به روایت نقاش

تصویر باغ در مینیاتور ایرانی، اغلب، گزیده‌ای از کل باغ است در موقعیت‌هایی غیرواقعی. مهم‌تر از همه، دیوار باغ است که با خطی بُرنده، محیط باغ را از بیرون آن جدا می‌کند. سپس آبنما، که غالباً به صورت پلان از بالا دیده می‌شود با ماهیان و پرندگانی که روی آن شنا می‌کنند، بعد، سراپرده‌ای که شخصیت اصلی بر تختی در آن نشسته و در آخر بخش‌هایی از عمارت‌های باغ که بی‌آنکه تصویر واضحی از معماری به دست دهد، پنجره‌هایی را به روی باغ و بلکه بیرون آن می‌گشاید. درختانی خاص، همچون سرو و شکوفه پشت‌صحنه را آرایش می‌کنند. شخصیت‌های داستان در لابه‌لای عناصر باغ چیده می‌شوند. می‌توان مفهوم باغ را در نظر هنرمند نقاش چنین قرائت کرد: باغ، صحنه‌ای آذین‌شده از آب و منظره سبز است که آدمیان برای حظ بصر و فهم طبیعت، در آن و بر آن، جایگاه‌هایی برای خود برپا می‌کنند. باغ، منظر اختلاط انسان و طبیعت است و جای سرخوش. روابط عاشقانه، دیدار دوستان و بار عام در چنین منظری رخ می‌دهد. باغ جای نظر است به انسان و به طبیعت؛ تا از آن راه به عالمی ناشناخته و مطلوب صعود کند. باغ، صحنه‌ای شورانگیز از ارتباط‌های انسان و طبیعت است. و نکته مهم آن که این صحنه، همیشه منظری درونی است که با دیواری از دنیای بیرون، که جای تأمل نیست، جدا گشته است. دیوار، به‌عنوان عنصر فعال و اصلی صحنه روایت باغ، وظیفه تبیین دو دنیای درون و بیرون را به عهده دارد. دیوار باغ نزد هنرمند نقاش، رمزی است که معنا در درون آن یافتنی است. تصویر روی جلد این شماره، مینیاتور «سلیمان و بلقیس» اثر «قدیمی» است که در سال ۵۳۹-۵۴۹ ه.ق. ترسیم شده و مربوط به روایت هفت اورنگ «عبدالرحمان جامی» است.

سردبیر

سید امیر منصوری

amansoor@ut.ac.ir